

دلایل سفر نکردن برخی از مردم مشهد به عتبات عالیات

غلامرضا صدیق اورعی^۱

(تاریخ دریافت ۹۰/۱۲/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۱/۷/۲۴)

چکیده

زیارت معصومین (علیهم‌السلام) در باور مذهبی ایرانیان جایگاه برجسته‌ای دارد و در پژوهش‌های انجام‌گرفته حضور میلیون‌ها زائر در مشهد دیده شده است. اما اغلب تحقیقات درباره اقدام به سفر زیارتی است. این نوشتار به بررسی «ترفتن به سفر زیارتی» پرداخته است، با این سؤال محوری که چرا عده‌ای از مردم مشهد به کربلا سفر نمی‌کنند. روش مورد استفاده «رویش نظریه» است. یافته بررسی این است که آنان که برای زیارت به عراق نمی‌روند، یا با مانعی مواجهند یا انگیزه‌ای برای آن ندارند. موانع در یک مقوله مرکزی «ناداری و بی‌تحمیلی» خلاصه می‌شود. موانعی که از جنس «ناداری» هستند، نداشتن زمان، پول و همسفر هم‌دل است و موانعی که از جنس «بی‌تحمیلی» هستند، راه دور سفر، فشردگی برنامه، تمیز نبودن اماکن اقامتی، تغذیه‌ای و ناامنی است. فقدان انگیزه نیز در مقوله مرکزی «دل‌مشغولی‌های دیگر و بی‌اشتیاقی» خلاصه می‌شود که زیرمجموعه آن غلبه انگیزه سیاحت، عدم اولویت تخصیص بودجه، اکتفا به زیارت حضرت رضا، یکسان‌انگاری زیارت از راه دور و نزدیک و نداشتن شوق - زیارت امام حسین (ع) است. پیشنهاد پژوهشی مقاله بررسی این موضوع و نیز «سفر نکردن به مشهد» در سایر مناطق ایران است.

واژگان کلیدی: زیارت، گردشگری، عتبات عالیات، رویش نظریه، انگیزه‌ها، موانع.

بیان مسئله

تاریخ بشر طولانی است و تأمل در آن موجب عبرت‌های فراوان می‌گردد. زمین گسترده است و زندگی اجتماعی در آن با تنوع بسیار رخ می‌دهد و سیر و سفر در زمین و مطالعه تاریخ کنش‌پسندیده‌ای است که قرآن به آن توصیه کرده است^۱ و راهنمایان دین آن را عبرت‌آموز دانسته‌اند.^۲ تجربه بشر نشان‌دهنده علاقه‌مندی عده‌ای از انسان‌ها به سفر است، همان‌طور که عدم اقدام به سفر توسط عده‌ای دیگر نیز بخشی از این تجربه است.

سفر یا همان گردشگری با مقاصد گوناگون انجام می‌شود و به همین سبب است که در مطالعات گردشگری از «انواع گردشگری» سخن به میان می‌آید. یکی از انواع گردشگری، گردشگری دینی است که بارزترین آن «سفر زیارتی» است.

اغلب مردم ایران شیعه‌اند و زیارت معصومین (ع) و امام‌زادگان مورد تأکید مذهب آنان است و تأثیر بسیاری بر کنش آنان دارد که یکی از جلوه‌های آن حضور سالانه میلیون‌ها زائر در مشهد مقدس رضوی است و زیارت امامان شیعه در عراق توسط مردم ایران و سایر شیعیان جهان جلوه‌های دیگر آن است. سفر زیارتی و گردشگری دینی در ایران به تازگی مورد مطالعات اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. نتایج شناسایی پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط با حوزه زائر و زیارت در سازمان‌ها و نهادهای مختلف و همچنین بخش خصوصی و جستجو در کارنامه ۱۳۴ دستگاه، مرکز تحقیقاتی و دانشگاهی و شرکت خصوصی نشان می‌دهد که از حدود ۲۰۳ طرح تحقیقاتی و پایان‌نامه یافت‌شده، ۷ مطالعه مربوط به قبل از سال ۱۳۷۰، ۹۷ مطالعه بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۱ و ۷۲ مطالعه بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۰ انجام شده و زمان انجام ۲۷ مطالعه نیز ذکر نشده است. همچنین از کل مطالعات صورت‌گرفته، ۱۴۹ مطالعه طرح پژوهشی، ۴۵ مطالعه پایان‌نامه و ۹ مطالعه طرح مطالعاتی است. بیشترین سهم انجام مطالعه و تحقیق در این حوزه مربوط به شهرداری مشهد با ۸۲ اثر است و بعد از آن آستان قدس رضوی با دارا بودن حدود ۷۰ اثر در مرتبه دوم قرار دارد (مظهری، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

۱. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (عنكبوت، ۲۰)
۲. پسر، اگر چه من به اندازه همه کسانی که پیش از من بوده‌اند نریسته‌ام، در کردار آنان به دقت نگریستم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار آن‌ها به سیر و سیاحت پرداختم تا همچون یکی از آنان شدم؛ بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آن‌ها به من رسیده با همه آنان از اول تا آخر بوده‌ام. من قسمت زلال زندگی آنان را از قسمت تاریک و آلوده بازشناختم و سود و زیانش را دانستم (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۹۳).

اغلب تحقیقات یادشده (مکری زاده، ۱۳۸۹؛ نامی، ۱۳۸۴؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۸۳؛ فکوری حاجی یار، ۱۳۸۹؛ امیراحمدی، ۱۳۸۹؛ گزارش نظرسنجی از زائران درباره برنامه‌های ستاد استقبال از بهار، ۱۳۸۹؛ اکبری، ۱۳۸۹؛ شناسایی گونه‌های مختلف مسافر در پایانه مسافربری امام‌رضا(ع)، ۱۳۸۹؛ سلطانی، ۱۳۸۹؛ رفیعی، ۱۳۸۸؛ مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (جهاد دانشگاهی)، ۱۳۸۸؛ فروغ‌زاده، ۱۳۸۹) درباره اقدام به سفر زیارتی است، اما این نوشتار با الهام از این ایده جامعه‌شناسانه ماکس وبر که اقدام‌کردن و خودداری‌کردن هر دو «کنش» است، به بررسی چرایی «نرفتن به سفر زیارتی» پرداخته است؛ با این سؤال محوری که «چرا عده‌ای از مردم مشهد برای زیارت به عراق سفر نمی‌کنند؟». البته جا دارد که پژوهشگران سایر مناطق ایران این موضوع و نیز «سفر نکردن به مشهد» را مورد کاوش قرار دهند تا همه ابعاد گردشگری مذهبی در ایران مورد شناسایی عمیق قرار گیرد. زیرا از نگاه علاقه‌مندان به سنجش میزان دین‌داری و خصوصاً علاقه‌مندان به مطالعه انواع دین‌داری، مطالعه اقدام به زیارت و عدم اقدام به زیارت امر مهمی است.

از منظری دیگر، ثبت نام چند میلیون نفر برای سفر عمره مفرده- آن هم فقط در چندروز- و پرداخت هزینه آن به صورت پیشاپیش و درنوبت‌ماندن تا شش سال کنشی است که اگر با کنش اقدام به سفر به عتبات مقایسه شود سؤالات بسیاری را برای جامعه‌شناسان دین‌داری و نیز علاقه‌مندان به جامعه‌شناسی سفر در ایران مطرح خواهد کرد.

چارچوب مفهومی

انسان دارای اندیشه، عاطفه و رفتار است و همه آثار وجود او در زندگی از طریق رفتار بروز می‌یابد. رفتار را می‌توان بر اثر محرک یا انگیزه دانست و نیز می‌توان آن را به خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم کرد. اما در هر حال، منشأ نهایی رفتار انگیزه است؛ با این توضیح که: (۱) هر سیستمی اعم از وجود انسانی در حالت ابتدایی در حال تعادل است. (۲) گاهی پیش می‌آید که تعادل سیستم به هم بخورد. این عدم تعادل یا ناشی از عوامل درونی است یا تحت تأثیر عوامل بیرونی یا ناشی از کمبود چیزی یا ناشی از پُربود چیزی و... (۲-۱) بخش عمده‌ای از عدم تعادل، کمبود، یا به عبارت دقیق‌تر نیاز است. (۳) این عدم تعادل، در کنار کشش برای بازگشت به حالت تعادل، منشأ بروز رفتار می‌شود. (۳-۱) کشش برای بازگشت به حالت تعادل همان انگیزه است. همان‌طور که گفته شد، بخش عمده‌ای از عدم تعادل در سیستم انسانی همان نیازهای سیستم است. مفهوم نیاز دربرگیرنده چهار مضمون اصلی است. اول، نیاز عدم تعادل است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۶۷: ۵۱۲؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۰: ۱۵). عدم تعادل شامل هرگونه دورشدن

از وضعیت بهینه می‌شود (نائلی، ۱۳۷۳: ۳۲). دوم، نیاز نقص است. نیاز حالتی است که با احساس فقدان چیزی مشخص می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۲۵۳؛ بیرو، ۱۳۸۰: ۲۴۲؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۰: ۱۴) و برخی نیز نیاز را به محرومیت فیزیولوژیایی تعبیر کرده‌اند (پورافکاری، ۱۳۷۳: ۹۷۵؛ اتکینسون و همکاران، ۱۳۶۷: ۵۱۲). واضح است که نیاز بدون احساس نیاز با فعالیت برای رفع نیاز می‌تواند وجود داشته باشد. سوم، نیاز ضروری است. در برخی منابع در تعریف نیاز به عنصر «ضروری‌بودن» اشاره شده است (ارلیش، ۲۰۰۵؛ مارشال، ۱۹۹۸: ۴۴۲). مشابه این نظر در منابع فارسی نیز به چشم می‌خورد (عمید، ۱۳۸۵: ۱۲۱۰؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۲۵۳). این ضرورت یا ناظر بر بقای سیستم است (آبرکرامی و همکاران، ۱۳۶۷: ۲۵۵) یا ناظر بر بهزیستی و سلامت سیستم (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۸۷۹). پارسونز نیز عقیده دارد که هر دستگاه اجتماعی چهار نیاز دارد که اگر قرار باشد آن دستگاه پابرجا بماند باید برآورده شوند (ریتزر، ۱۳۷۷). در نهایت، چهارم، نیاز منشأ رفتار است. برخی از روان‌شناسان نیاز را مهم‌ترین عامل درونی مؤثر بر رفتار و تبیین‌کننده آن می‌دانند (پورافکاری، ۱۳۷۳: ۹۷۶؛ آبرکرامی و همکاران، ۱۳۶۷: ۲۵۵). نیاز برانگیزاننده رفتاری در جهت رفع خود است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۲۵۴؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۴) یا همراه با رفتار ارضاکنده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۰: ۱۴؛ نائلی، ۱۳۷۳: ۳۲).

نیازها پویا می‌شوند. پویایی نیازها به دو معنای کلی قابل طرح است که هر دو نیز صحیح هستند: از یک جهت، نیازها پویا هستند؛ برای اینکه با ارضای یکی، دیگری بروز می‌یابد و جاندار برای رفع این عدم تعادل جدید به فعالیت واداشته می‌شود. این معنا کاملاً با منظوری که مازلو از بیان سلسله‌مراتب نیازها داشته همخوانی دارد. بنابراین، توضیح بیشتر در این زمینه را در بیان سلسله‌مراتب نیاز ادامه خواهیم داد. از جهت دیگر، پویایی نیازها به معنای پویایی ابزار رفع نیاز است. برای مثال، فردی که بارها برای ارضای نیاز گرسنگی خود از خوراک نوع الف استفاده کرده است، میل دارد برای رفع این نیاز خود از ابزار دیگری، مثلاً غذای نوع ب، استفاده کند. اگر سطوح نیازها را نیاز اولیه و نیاز به ابزار ارضای این نیازها را نیاز ثانویه بنامیم، اصل پویایی نیازها هم شامل نیازهای اولیه و هم شامل نیازهای ثانویه خواهد بود. گاهی نیازها با یکدیگر تزاخم می‌یابند. به این معنی که ارضای یکی موجب از دست دادن فرصت برای ارضای دیگری می‌شود. انسان‌ها اغلب برای غلبه بر تزاخم نیازها از سلسله‌مراتب نیازها پیروی می‌کنند. اصل سلسله‌مراتبی بودن نیازها، که توسط مازلو ارائه شده است، بیانگر این واقعیت است که اگر در یک زمان چندین عدم تعادل در سیستم وجودی ما وجود داشته باشد و نتوان همه آن‌ها را رفع کرد، عدم تعادلی که از همه بنیادی‌تر و اساسی‌تر است بر سیستم وجودی ما

مسلط می‌گردد و تا رفع نسبی آن عدم تعادل، به سایر عدم تعادل‌ها نخواهیم پرداخت. «این کاملاً حقیقت دارد که انسان، هنگامی که نان وجود ندارد، فقط با نان می‌تواند به زندگی ادامه دهد. اما هنگامی که نان به حد وفور وجود داشته باشد و فرد همواره سیر باشد... بی‌درنگ نیازهای دیگر (والا تر) پدیدار می‌شوند و همین نیازها به جای گرسنگی‌های فیزیولوژیایی بر ارگانیزم حکم‌فرما می‌گردند. هنگامی که این‌ها نیز به نوبه خود ارضا شدند نیازهای تازه (و باز هم والا تر) پدید می‌آیند و همین‌طور الی آخر و منظور ما از بیان اینکه نیازهای اساسی انسان به شکل سلسله‌مراتبی از غلبه نسبی سازمان می‌یابد، همین نکته است» (مازلو، ۱۳۶۷). «رفع نسبی عدم تعادل» - که در بیان اصل سلسله‌مراتبی نیازها به آن اشاره شد - نیز به همین معنی است: «نیازهای هر سطح معین دست‌کم تا حدودی ارضا شوند تا نیازهای سطح بعدی بتوانند به صورت عوامل تعیین‌کننده عمل درآیند» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۶۷: ۵۶۶). دقت کنید که گفته شد عدم تعادل تا حدودی رفع گردد، نه اینکه مثلاً همه عدم تعادل‌های سطح فیزیولوژیک به طور کامل در زمان اول رفع گردد تا در زمان دوم عدم تعادل‌های دیگر عامل بروز رفتار شوند. همان‌طور که از مطالب قبل معلوم شد، نیاز انواعی دارد. بر اساس طبقه‌بندی مشهور آبراهام مازلو، می‌توان اکثر این دسته‌بندی‌ها را در پنج سطح کلی جا داد. ادعای مازلو این است که او فقط در پی دسته‌بندی نیازهای اساسی بوده است. از آنجا که نیازهای اساسی از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، تا انسان، انسان است و تا زندگی وی زندگی اجتماعی است، آن نوع نیازمندی‌ها نیز وجود دارند و تغییر فرهنگ و جامعه و قشر اجتماعی بر وجود و عدم آن‌ها بی‌تأثیر هستند. «در طبقه‌بندی نیازهای اساسی، تلاش بر این است که به وحدتی نسبی که ورای تفاوت‌های ظاهری تمایلات خاصی در فرهنگ‌های مختلف برقرار است توجه کنیم» (مازلو، ۱۳۶۷). این پنج سطح عبارت‌اند از: سطح نیازهای فیزیولوژیایی، سطح نیازهای ایمنی، سطح نیازهای عشق و تعلق، سطح نیاز به احترام، سطح نیاز به خودشکوفایی.

کنش. رفتاری که بامعنا باشد اصطلاحاً کنش نامیده می‌شود. «کنش آن رفتار انسانی است که دارای معنای ذهنی خاصی باشد» (وبر، ۱۳۷۴: ۳). کنش، آن‌گاه که معطوف به دیگری باشد و «رفتار دیگران در معنای ذهنی» (وبر، ۱۳۷۴: ۳) کنشگر لحاظ شده باشد، کنش اجتماعی است. «کنش اجتماعی... ممکن است در جریان رفتار گذشته، حال یا آینده دیگران باشد... "دیگران" می‌توانند تک‌تک افرادی باشند که برای کنشگر شناخته شده هستند یا مجموعه‌ای از افراد نامشخص یا کاملاً ناشناخته باشد... فعالیت اقتصادی یک فرد هم فقط هنگامی اجتماعی است که متضمن رفتار بعضی افراد دیگر باشد» (وبر، ۱۳۷۸ الف: ۸۰). گاهی کنش غیرعقلانی

است که خود به دو نوع عاطفی و سنتی تقسیم شده است: کنش عاطفی از تمایلات خاص و وضعیت احساسی شخص ناشی می‌گردد (وبر، ۱۳۷۴: ۲۸). کنش سنتی حاصل گرایش به سنت است که از طریق عادات طولانی مدت ایجاد می‌شود. (وبر، ۱۳۷۴: ۲۸). گاهی نیز کنش عقلانی است که خود به دو نوع عقلانی ارزشی و عقلانی هدفمند تقسیم شده است. منظور از کنش عقلانی ارزشی کنشی است که شامل باور آگاهانه به ارزش رفتار اخلاقی، زیبایی‌شناختی، مذهبی و غیره است که فارغ از هرگونه چشم‌اندازی برای توفیق بیرونی است و فقط به خاطر خودش وجود دارد (وبر، ۱۳۷۴: ۲۸). منظور از کنش عقلانی هدفمند کنشی است که شامل گرایش به مجموعه‌ای از اهداف مشخص فردی است. در این گرایش رفتار عوامل بیرونی و افراد دیگر پیش‌بینی می‌شود. این‌گونه پیش‌بینی‌ها به مثابه «شرایط» و «وسائل» کسب توفیق‌آمیز اهداف عقلایی شخص هستند (وبر، ۱۳۷۴: ۲۸). «کنش زمانی عقلایی معطوف به اهداف معین شخصی است که هدف، ابزار و نتایج ثانوی آن همگی به شکل عقلایی در نظر گرفته شده و سنجیده شده باشند. چنین بررسی و سنجشی شامل در نظر گرفتن ابزار جایگزین برای هدف موجود، رابطه این هدف با دیگر نتایج حاصل از به‌کارگیری ابزار موجود و نهایتاً اهمیت نسبی دیگر اهداف ممکن است. بنابراین، کنش‌های سنتی و عاطفی نمی‌توانند از این نمونه باشند. ارزش‌های مطلق به راحتی می‌توانند مبنایی برای انتخاب بین اهداف و نتایج متفاوت و متناقض باشند. در چنین حالتی، فقط در ارتباط با انتخاب ابزار است که یک کنش به صورت عقلایی به مجموعه‌ای از اهداف معین شخص معطوف می‌گردد» (وبر، ۱۳۷۴: ۲۹-۳۰). از آنجا که عمل عقلانی به نوعی تیپ ایده‌آل می‌ماند، آنچه باید جستجو شود، میزان نزدیکی اعمال افراد به نوع آرمانی کنش عقلانی است. «در مورد تجزیه و تحلیل علمی سنخ‌شناختی، بی‌تردید می‌توان همه عناصر تعیین‌کننده انفعالی و غیرعقلانی رفتار را به‌عنوان عامل انحراف از نوع ناب مفهوم کنش عقلانی به شمار آورد... فقط از این راه است که می‌توان اهمیت علی عوامل غیرعقلانی را که موجب انحراف شده است ارزیابی کرد» (وبر، ۱۳۷۸: ب: ۲۲۴). اکنون که سخن از کنش عقلانی و غیرعقلانی به میان آمد، شایسته است توضیح مختصری درباره عقلانیت بیان شود.

عقل در دو ساحت نظری و عملی شناسایی و مطرح شده است. عقلانیت نیز به تبع عقل قابل تقسیم به نظری و عملی است.

عقل نظری مربوط به گزاره‌های حقیقی است. این گزاره‌ها موصوف عقلانیت نظری یا ضد آن قرار می‌گیرند و به معنی مستدل بودن و برهانی بودن آن‌ها یا دست‌کم به معنای غیرمتناقض بودن آن‌ها با خود و با مجموعه باورهای عقلانی از قبل موجودند.

در عقلانیت عملی، «عقلانی» صفتی برای عمل و گزینش‌های انسان است. انسان‌ها هم هدف‌های زندگی را برمی‌گزینند و هم وسائل رسیدن به این هدف‌ها را. انتخاب هدف وقتی عقلانی است که ارزش ناشی از نیل به آن هدف، بیشتر از ارزش وسائل و هزینه‌های صرف‌شده برای رسیدن به آن باشد. البته هر شخص در زندگی هدف‌های بسیاری را پیگیری می‌کند که در یک تحلیل دقیق بسیاری از آن‌ها جنبه واسطه‌ای و مقدمه‌ای دارند و درنهایت یک هدف نهایی وجود دارد. ارزشمندی هدف‌های واسطه‌ای بر اساس ارزش هدف نهایی تعیین می‌شود، اما ارزش هدف نهایی باید به طور مستقل مورد ارزیابی قرار گیرد که مبنای آن نظام‌های ارزشی است، نه مبانی برهانی در عقل نظری. وجه دیگری از عقلانیت عملی مربوط به انتخاب وسائل مناسب برای رسیدن به هدف است. در این نوع کنش باید مناسب‌ترین وسیله را با احتیاط سنجید و با دقتی فزاینده در نظر گرفت. اگر انسان وسائل را برگزیند که او را سریع‌تر، مطمئن‌تر و با کمترین هزینه و پیامدهای منفی به هدف برسانند، این عمل انتخاب عقلانی وسیله است. همین عقلانیت است که تحت عنوان عقلانیت «ابزاری» یا عقلانیت «وسیله-هدف» نامیده می‌شود و بر مدار سنجش و محاسبه دایر است. در عقلانیت عملی، شخص یا گروه، در پی به حداکثر رساندن مطلوبیت خویش است. لذا ممکن است این نفع‌گرایی خودخواهانه در یک دوره زمانی با انتخاب‌هایی همراه باشد که فاقد نظم درونی به نظر می‌آیند. اما اگر برای انتخاب وسیله جهت رسیدن به هدف‌ها، هنجارها و قاعده‌هایی تعیین شود، که حالات زودگذر شخص نتواند خودنمایی کند، و اغلب اشخاص به شکل یکسان یا مشابهی اقدام کنند، این گزینش‌ها و عمل‌ها از عقلانیت رسمی برخوردار است (کالبرگ، ۱۹۸۰: ۱۱۵).

برخی از جامعه‌شناسان از مفهوم «انسان جامعه‌شناختی» سخن گفته‌اند. عقلانیت انسان جامعه‌شناختی عقلانیت مرکب است (بودون، ۱۳۷۰). به این معنی که انسان - آن‌طور که جامعه‌شناس می‌بیند- «برآوردش از خط مشی‌ها... تا حدی بستگی به اعتقادات کم و بیش مستند دارد» (بودون، ۱۳۷۰: ۴۷). «انسان جامعه‌شناختی ممکن است در برابر یک انتخاب، در برخی حالات نه آن شقی را که ترجیح می‌دهد، بلکه آن شقی را که "عادت"، "ارزش"هایی که "درونی کرده است"، و به طور کلی، مشروط شدگی‌های گوناگون (اخلاقی، معرفتی، رفتاری) به او القا می‌کند، برگزیند... . مشاهدات ثابت می‌کنند که "عادت" گاهی این اثر را دارد که احتمال آگاهی کارگزار اجتماعی را به کثرت راه‌هایی که پیش پای او قرار دارند کاهش می‌دهد» (بودون، ۱۳۷۰: ۲۴۹-۲۵۰).

همچنین «فرآیند درونی کردن ارزش‌ها نیز ممکن است نتایج مشابهی در پی داشته باشد» (بودون، ۱۳۷۰: ۲۵۰). پس با توضیحاتی که ارائه شد، عمل چیزی غیر از تصمیم‌گیری و اقدام

نیست. «تصمیم‌گیری» عبارت است از فرآیند ذهنی «ترجیح میان شقوق» که منجر به «انتخاب» می‌شود. در تصمیم‌گیری شقوقی وجود دارند که تصمیم‌گیرنده از میان آن‌ها شقی را برتر تشخیص می‌دهد، یعنی تصمیم به آن می‌گیرد.

همچنین هر تصمیم آثار و پیامدهایی نیز دارد. تصمیم‌گیری از لحاظ «معین بودن یا نامعین بودن پیامدها»، به دو دسته تقسیم می‌گردد: تصمیم‌گیری با «پیامدهای احتمالی» و تصمیم‌گیری با «پیامد قطعی». به طور کلی، احتمال هر حادثه عبارت است از برآوردی از شانس وقوع آن حادثه که مقداری بین صفر و یک دارد. «حادثه‌ای که احتمالش صفر است، واقع‌نشده است و حادثه‌ای که احتمالش یک است، بالضروره واقع‌شدنی است... اما احتمال بسیاری از حوادث کسری است میان صفر و یک» (لیتل، ۱۳۷۳: ۷۴).

تصمیم‌گیری با پیامد احتمالی خود به دو دسته تصمیم‌گیری در وضعیت عقلانیت پارامتریک و تصمیم‌گیری در وضعیت عقلانیت استراتژیک تقسیم می‌شود.

عقلانیت پارامتریک عقلانیتی است که در آن شخص تصمیم‌گیرنده با شقوق مختلفی روبرو است که دارای پیامدهای احتمالی معینی هستند (لیتل، ۱۳۷۳: ۸۰). تصمیم‌گیری در وضعیت استراتژیک پیچیده‌تر از وضعیت پارامتریک است، زیرا در تصمیم‌گیری پارامتریک، همه پیامدهای احتمالی مقتضای طبیعت‌اند و از قانونی تبعیت می‌کنند که البته احتمالی است و نه قطعی. اما تصمیم‌گیری در وضعیت استراتژیک شامل مواردی می‌شود «که نتایج آن‌ها بستگی به اختیار عامدانه تصمیم‌گیران دیگر دارد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۸۱). به این معنا که نتیجه و بهره یک تصمیم، تابع تصمیمات از روی اختیار کنشگران دیگر است و تصمیم‌گیرنده باید با در نظر گرفتن محاسبات عقلانی دیگر کنشگران حاضر در میدان کنش، در پی تصمیم‌گیری با بیشترین سود و کمترین هزینه باشد.

عمل «به‌زیارت‌رفتن»، آن هم «سفر زیارتی» نیازمند مقدمات و آمادگی‌هایی است و نمی‌تواند بدون فرآیند تصمیم‌گیری رخ دهد و لذا پاسخی به نیاز، مطلوبیت، ارزیابی و محاسبه است و نمی‌تواند فارغ از عقلانیت باشد و چون عمل دینی است و نتایج آن عمدتاً ارزشی است، پس معطوف به ارزش‌های دینی و مذهبی است. آنان که چندین روز برنامه عادی خود را تعطیل می‌کنند و با هزینه کردن مبلغی به سفر زیارتی می‌روند، نیازی را ارضا می‌کنند و مطلوبیتی به دست می‌آورند، البته مطلوبیتی ارزشی در چارچوب نظام ارزش‌های مذهبی. اما کسی که به چنین سفر زیارتی نمی‌رود، یا نیاز مرتبط به کنش زیارت را ندارد و کنش سفر زیارتی برای او مطلوبیت‌آفرین نیست، یا این نیاز در او مقهور سایر نیازهای فعال است، یا وسیله‌ای جایگزین

برای ارضای آن دارد یا نظام ارزشی او متفاوت با کسانی است که به سفر زیارتی می‌روند که احتمالاً حاکی از تفاوت نوع دین‌داری این عده است.

روش تحقیق

در پی تقسیم‌بندی روش‌های مطالعه و بررسی در علوم اجتماعی به روش تعمیمی و تفریدی، روش‌های «کمی» و «کیفی» در جامعه‌شناسی ظهور کردند. در روش‌های کیفی که معمولاً به منظور شناخت دقیق و همه‌جانبه پدیده‌ای خاص و موردی مشخص انجام می‌پذیرند و نه لزوماً تعمیم‌دادن نتایج به جامعه‌ای گسترده‌تر، تحقیقات معمولاً ژرف‌انگیزند. کاربرد رویکرد تحقیقی کیفی «معمولاً پاسخ به سؤالاتی درباره ماهیت پدیده‌ها با هدف شرح و درک آن‌ها» است (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۸۳؛ استراوس و کوربین^۱، ۱۹۹۸: ۱۱) که این خصیصه در مواردی که اطلاعات موجود یا اطلاعات محقق در مورد واقعیتی بسیار اندک باشد کارکرد فراوانی دارد. همچنین در مواردی که موضوع مورد بررسی دارای پیچیدگی‌های فراوان باشد، بخصوص آنکه به دلیل فقدان نظریه و مفهوم‌سازی قبلی، ابعاد و لایه‌های واقعیت مورد بررسی مکشوف نباشد، روش‌های کیفی اهمیت فراوانی می‌یابند (کراسول، ۲۰۰۳؛ کاوه، ۲۰۱۰).

در پژوهش حاضر به دلیل محدودبودن اطلاعات موجود درباره موضوع مورد بررسی (اداره ملی آمار انگلستان^۲، ۲۰۰۷) تنها روش‌های کیفی می‌توانند امکان یافتن پاسخ را فراهم کنند، خصوصاً وقتی بنا باشد پیچیدگی‌های «عدم اقدام به سفر زیارتی» کشف شود و خصوصاً وقتی نظریه‌ای جدی در باب دلایل آن موجود نباشد.

روش رویش نظریه

روش‌های کیفی انواع گوناگونی دارند. یکی از این روش‌ها «رویش نظریه»^۳ است که نوعی روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تعریف‌شده، خود به تدوین نظریه اقدام کنند (چارماز، ۲۰۱۰؛ لیبرت، ۲۰۰۷؛ چارماز و هن‌وود، ۲۰۰۶).

1. Strauss & Corbin
2. Office for National Statistics (ONS)
3. Grounded theory

«رویش نظریه» در طول بررسی اتفاق می‌افتد و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود» (منصوریان، ۱۳۸۵: ۴). در این روش «جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آن‌ها در یک تعامل بسیار نزدیک با یکدیگر می‌باشند» (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۷) تا جایی که «مهم‌ترین عامل در این روش نزدیکی همیشگی با داده‌هاست» (همان، ۳۰۸: پیگان و هن‌وود، ۲۰۰۴).

گام‌های پژوهش در روش رویش نظریه

در روش رویش نظریه برای یافتن پاسخ مستدل به سؤالات مورد بررسی باید به سراغ واقعیت رفت و داده‌های مورد نیاز را فراهم کرد. محقق برای گردآوری داده‌ها باید این موضوع را روشن کند که داده‌ها از کدام واقعیت به دست می‌آیند. پاسخ تفصیلی به این سؤال «شیوه نمونه‌گیری» نامیده می‌شود. شیوه نمونه‌گیری مناسب در این روش «نمونه‌گیری نظری» است.

نمونه‌گیری نظری

موضوع بررسی و مشاهده باید آن‌طور فراهم شود که همه واقعیت‌های محتمل را شامل گردد و الا با تورش روبه‌رو خواهد بود (باربور، ۲۰۰۱). برای دستیابی به چنین منظوری اولین مورد معین شد و داده‌های مربوط به او جمع‌آوری گردید. دلیل اصلی نفر اول برای سفر نکردن به عتبات عالیات بی‌پولی بود؛ لذا مورد دوم آن‌طور معین شد که تا حد ممکن با مورد اول در موضوع بررسی تفاوت داشته باشد و احتمال بی‌پولی درباره او منتفی باشد تا به شمول داده‌ها کمک کند. دلیل نفر دوم نامنی بود. این فرآیند به همین شیوه ادامه یافت تا آنجا که به «کفایت نظری و اشباع» رسید؛ یعنی بررسی چند مورد آخر، هیچ داده‌ای متفاوت با داده‌های قبل به دست نداد. به بیان مبدعان رویش نظریه «هنگامی طبقه‌ها به لحاظ نظری اشباع می‌شوند که در خلال گردآوری و تحلیل بیشتر داده‌ها، داده‌های جدید از طبقه‌ها به دست نیاید» (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴: ۲۲۹؛ گیبسون، ۲۰۰۳). در پژوهش حاضر ۱۱ نفر مورد مشاهده و مصاحبه قرار گرفتند.^۱

۱ به عنوان قاعده کلی، رایلی (۱۹۹۶) بیان می‌کند که اکثر تحقیقات مبتنی بر گراند تئوری، با انجام دادن ۸ الی ۲۴ مصاحبه به حد اشباع می‌رسند (گالدینگ، ۱۹۹۹: ۱۵).

تکنیک جمع‌آوری داده‌ها

تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه عمیق و مکرر و در مواردی مشاهده بوده است (قس هن، ۲۰۰۹). در حین و پس از مصاحبه و مشاهده، مصاحبه‌ها و مشاهدات نوشته و به متن تبدیل شدند^۱ (قس علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۹) و مورد تحلیل قرار گرفتند.

تحلیل داده‌ها

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، در این روش «جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آن‌ها در یک تعامل بسیار نزدیک با یکدیگر می‌باشند» (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۷) یعنی در ضمن جمع‌آوری داده‌ها، مفاهیم و کم‌کم بخش‌هایی از نظریه و در آخر نظریه نهایی ظهور می‌یابند. تحلیل با کدگذاری متن مصاحبه‌ها آغاز شده است که در پی می‌آید:

مقوله‌بندی و کدگذاری متن [داده‌ها]

در اولین قدم داده‌ها مورد واکاوی قرار گرفت و داده‌های متفاوت - که در نگاه نخست ممکن بود تمایز آشکاری با هم نداشته باشند- از هم متمایز شدند و داده‌های مشابه گرد هم آمده دسته‌بندی شدند (قس کاوه، ۲۰۱۰؛ فرانکلین، ۲۰۱۰؛ باجیاس، ۲۰۰۹؛ لیبرت، ۲۰۱۰؛ نایت و همکاران، ۲۰۰۳). در ادامه، انواع کدگذاری داده‌ها و توضیحات مربوط به آن‌ها ارائه شده است:

کدگذاری باز: کدگذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها است (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷).

در مصاحبه‌ها سعی شده پاسخگویان همه موانع «احساس‌شده» خود برای سفر به عتبات عالیات - در زمان گذشته و حال- را مورد توجه قرار دهند و اظهار کنند. درنهایت مجموعه «متن مصاحبه‌ها» برای استخراج موانع سفر زیارتی مطالعه و کدگذاری شد. نتایج کدگذاری باز در جدول ۱ آمده است.

۱. «اگرچه پژوهشگر ممکن است در ابتدا از یک تکنیک برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کند ولی از طریق نمونه‌گیری نظری که در آن نه نوع داده برای یک مقوله و نه نوع خاص یک تکنیک برای جمع‌آوری داده‌ها ضرورتاً مناسب باشد، هیچ‌گونه محدودیتی برای استفاده از تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، شیوه استفاده از آن‌ها یا انواع داده‌های جمع‌آوری شده وجود ندارد» (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۹).

کدگذاری محوری: «کدگذاری محوری فرآیند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها و مشخصات) با یکدیگر است» (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۱۰). در این مرحله عناوین به‌دست‌آمده در کدگذاری باز مجدداً مورد انتزاع قرار گرفت و به هر دسته عنوانی کلی‌تر داده شد. «به عبارت دیگر، در این مرحله، مفاهیم استخراج‌شده در قالب مقولات عمده دسته‌بندی - شدند» (محمدپور و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۸).

کدگذاری انتخابی: سومین مرحله کدگذاری، کدگذاری انتخابی است. «کدگذاری انتخابی فرآیندی است که در آن برای بیان دسته‌بندی‌های مختلف، یک دسته را به‌عنوان هسته و مرکز برمی‌گزینیم و تمام دیگر دسته‌ها را با دسته مرکزی دیگر ارتباط می‌دهیم. ایده اصلی ایجاد یک هسته اصلی برای ارتباط دیگر داده‌ها به این هسته می‌باشد» (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۱۰). محقق در کدگذاری انتخابی به دنبال کشف «خط اصلی داستان» (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴: ۲۲۸) است. به عبارت دیگر، از میان همه عناوین کلی‌تر - که در مرحله کدگذاری محوری به دست آمد - یکی به‌عنوان مقوله مرکزی شناخته و برگزیده می‌شود و رابطه سایر واقعیت‌ها با آن نیز مورد تأمل و شناسایی قرار می‌گیرد. در نوشتار حاضر سعی شده سومین مرحله کدگذاری نیز تلاشی برای سومین گام در انتزاع باشد. نتیجه در بخش یافته‌ها قابل رؤیت است.

نگارش یافته‌ها و تحلیل نهایی: آخرین گام، «مرحله نوشتن یا رویش نظریه جدید و نهایی» است (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۱۱). در این گام، نظریه رویش‌یافته از خلال نوشته‌ها و تفکرات به دست آمده و تفاوت‌ها و شباهت‌ها و چرایی آن‌ها بیان شده است.

یافته‌های تحقیق

با توجه به سؤال اصلی تحقیق: «چرا عده‌ای از مردم مشهد برای زیارت به عراق سفر نمی‌کنند؟» و با دقت در مفهوم «اقدام نکردن» و نیز باتوجه به مصاحبه‌های انجام‌شده می‌توان یافته‌ها را ذیل دو عنوان ارائه کرد:

۱. فقدان انگیزه برای سفر زیارتی به عتبات عالیات در عراق
 ۲. وجود موانع برای اقدام به سفر زیارتی به عتبات عالیات در عراق
- در زیر به توضیح این دو مورد پرداخته شده است:

۱ - وجود موانع برای اقدام به سفر زیارتی به عتبات عالیات در عراق

برای پیدایش هر امری باید مقتضی، موجود و مانع، مفقود باشد. در تحقق یک کنش نیز این قاعده برقرار است. در مصاحبه‌های انجام شده دربارهٔ چرایی «سفر نکردن به عراق برای زیارت»، برخی مصاحبه‌شوندگان به نکاتی اشاره کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان «موانع سفر» طبقه‌بندی کرد و شاید مهم‌ترین آن‌ها در اختیار نداشتن مقدمات سفر یادشده برای عده‌ای و مشکلات این سفر از نگاه عده‌ای دیگر است.

جدول ۱. موانع احساس شده برای سفر زیارتی به عراق

ردیف	مفاهیم و موارد آن	عبارت
۱	نبودن فرصت	باید هر روز کار کرد و برای سفر وقت ندارم
۲	نداشتن پول	با توجه به درآمد و مخارج من و امثال من امکان مالی برای رفتن به کربلا را ندارم هر چند موردی که می‌خواهم بگویم مربوط به کربلا نیست اما در کل، به بحث مربوط است. در نزدیکی روستای ما یک امام‌زاده است که معمولاً افراد برای زیارت و گرفتن حاجت به آن‌جا می‌روند. مسیرش طوری است که باید با ماشین رفت و ماشین‌های سواری ده هزار تومان کرایه می‌گیرند. برخی از اهالی به خاطر همین هزینهٔ تاکسی به زیارت نمی‌روند.
۳	نبودن همسفر مناسب	بدون هم‌سفر هم‌دل، سفر جالب نیست. تا حالا هم سفر هم‌دلی پیدا نکرده‌ام
۴	دوری راه	راه کربلا دور است
۵	ناامنی	عراق ناامن است
۶	مشکل بودن	آن‌طور که شنیده‌ام برنامهٔ فعلی سفر کربلا بسیار فشرده و خسته‌کننده است. افراد را به امام‌زاده‌های مختلف و مساجد زیادی می‌برند و پیاده‌روی زیادی هم دارد. چند هزار کیلومتر سفر فشرده با اتوبوس بسیار خسته‌کننده است و نمی‌توانم به چنین سفری بروم. اگر یک سفر هوایی آن هم فقط به شهرهای کربلا و نجف باشد حاضرم بروم ولی برنامه فعلی مناسب‌حالم نیست.
۷	تمیز نبودن اماکن	آن‌طور که شنیده‌ام مهمان‌پذیرهای مورد استفادهٔ زائران ایرانی در عراق مرتب و تمیز نیست رستوران‌ها و غذاخوری‌های اماکن زیارتی عراق تمیز نیستند و نمی‌توان به راحتی در آن‌ها غذا خورد
۸	بی‌علاقگی به عرب‌ها	همین که فکر می‌کنم: درآمد کشور را باید به جیب عراقی‌ها یا سعودی‌ها ریخت حاضر نیستم بروم.
۹	قسمت نبودن	- تا حالا زمینه‌اش پیش نیامده - لابد قسمت نبوده - باید بطلبند، تا حالا که نطلبیده‌اند

۲ - فقدان انگیزه برای سفر زیارتی به عتبات عالیات در عراق

هر کنشی دارای انگیزه است. در مصاحبه‌های انجام‌شده درباره «سفر نکردن به عراق برای زیارت»، برخی مصاحبه‌شوندگان به نکاتی اشاره کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان «فقدان انگیزه سفر» طبقه‌بندی کرد و شاید مهم‌ترین موارد آن اکتفا به زیارت حضرت رضا(ع) نزد عده‌ای و دل‌مشغولی‌های دیگر نزد عده‌ای دیگر است.

جدول ۲. فقدان انگیزه برای سفر زیارتی به عراق

ردیف	مفاهیم و موارد آن	عبارت
۱	اکتفا به زیارت حضرت رضا	زیارت حضرت رضا با آن همه فضیلت پهلوی ما است؛ چقدر می‌رسیم که برویم. اگر وقت و حال داریم بیشتر به حرم حضرت رضا برویم تا این‌که بخواهیم به کربلا و نجف برویم.
۲	یکسان‌انگاری زیارت از راه دور و نزدیک	بعد سفر نبود در سفر روحانی. ائمه همه جا هستند و من هرروز از این جا سلام می‌دهم و حاجاتم را می‌خواهم.
۳	غلبه انگیزه سیاحت	آن قدر انگیزه سیاحت در من قوی است که اگر به کربلا بروم آن جا هم در فکر سیاحتم و فکر می‌کنم این حالت بی‌احترامی به امام معصوم است. اول باید انگیزه سیاحتم را ارضا کنم تا پس از آن با شوق زیارت به کربلا و نجف بروم.
۴	نداشتن شوق زیارت امام حسین	هنوز آن قدر شیفته امام حسین نشده‌ام که همه کارها را رها کنم و بروم کربلا. امیدوارم کم‌کم این حالت در من پیدا شود.
۵	عدم اولویت تخصیص بودجه	کربلا و مکه ما داخل خانه ماست؛ دخترها و پسرها را باید عروس و داماد کنیم، انشاءالله بعداً به کربلا و مکه هم خواهیم رفت (سفر به کربلا در اولویت تخصیص بودجه نیست).

پس از انجام کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه و هم‌جنس از نظر معنایی در قالب مقولات عمده طبقه‌بندی شدند. این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند و دومین مرحله در جهت «رویش نظریه» هستند. در جدول ۳ این مقولات عمده و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها آمده است:

جدول ۳. مقولات عمده موانع احساس شده برای سفر زیارتی به عراق

ردیف	مقولات عمده	مؤلفه
۱	فقدان امکانات	نبودن فرصت، نداشتن پول، نبودن هم‌سفر مناسب
۲	سختی و خطر	دوری راه، مشکل بودن، تمیز نبودن اماکن، بی‌بازی از عرب‌ها، ناامنی
۳	قسمت نبودن	قسمت نبودن

مقوله عمده فقدان امکانات: این مقوله مشخص می‌کند که برخی از موانع سفر زیارتی به عتبات عالیات کمبودهای افراد است که یا مربوط به وضعیت اقتصادی است و افراد به دلیل درآمد اندک هزینه لازم برای رفتن به این سفر را ندارند یا اینکه مربوط به زمان است و مشغله کاری بخصوص در حوزه شغلی مجال پرداختن به چنین سفر یک‌هفته‌ای را به این‌گونه افراد نمی‌دهد یا اینکه مربوط به هم‌سفری مناسب است و ترجیح برخی افراد این‌گونه است که تا هم‌سفری هم‌دل که با او درک متقابل داشته باشند نیابند، اقدام به این سفر زیارتی نخواهند کرد.

مقوله عمده سختی و خطر: همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، برخی از موانع سفر زیارتی به عراق عواملی است که تحت اراده افراد نیست و می‌توان آن‌ها را شرایط محیطی نامید که افراد از آن‌ها متأثر می‌شوند؛ مثل تمیز نبودن مهمان‌سراها و غذاخوری‌ها در عراق یا ناامنی‌های موجود فعلی یا مسافت طولانی، که افراد در آن مؤثر نیستند، اما سفر زیارتی آنان از آن متأثر است. به عبارت دیگر، پاسخگویان ارزش‌ها و استانداردهایی در ذهن خود برای سفر، شرایط سفر، مقصد سفر و... دارند که در صورت فقدان آن ارزش‌ها و استانداردها حاضر به کنش و اقدام نیستند؛ مثلاً برخی پاسخگویان می‌گفتند: «اگر محل اسکان سوسک داشته باشد، شب تا صبح بیدار می‌مانم و نگرانم تا صبح شود و از محل خارج شوم». یا پاسخگوی دیگری می‌گفت: «من به‌ندرت می‌توانم غذای بیرون از منزل را مصرف کنم و در مواردی که ضروری است در رستورانی شرکت کنم، ناچارم بسیار دقت کنم که نظافت در همه چیز رعایت شده باشد والا یک جوری سرم را با ماست بسته‌بندی شده و نوشابه و مانند این‌ها گرم می‌کنم و نمی‌توانم غذا بخورم». شایعه ضعف نظافت در اماکن اقامتی زائران عتبات عالیات مانع جدی برای سفرکردن این افراد بود.

البته این مقوله گروه دیگری را نیز در خود جای می‌دهد که از عرب‌ها بدشان می‌آید و حاضر نیستند پول‌هایشان را در جیب آن‌ها بریزند و چون مردمان عراق همگی عرب هستند ترجیح می‌دهند که یا زیارت را از همین‌جا انجام دهند یا اینکه اصلاً در اندیشه زیارت عتبات عالیات نباشند.

مقوله عمده قسمت: برخی افراد معتقدند که چنین سفرهای زیارتی‌ای تنها چیزی که نیاز دارد آن است که خداوند روزی کند و آن را تحت عنوان «قسمت» نام‌گذاری می‌کنند و تنها دلیلی که برای عدم اقدامشان به چنین سفری بیان می‌دارند این است که خداوند نخواست و قسمت نکرده است و معتقدند که اگر خداوند قسمت کند هیچ مانع دیگری وجود نخواهد

داشت و سفر به عتبات عالیات ممکن خواهد شد. لذا تنها مانع را طلبیده نشدن از سوی ائمه و روزی نشدن این سفر از جانب خدا می‌دانند.

جدول ۴. مقولات عمده فقدان انگیزه برای سفر زیارتی به عراق

ردیف	مقولات عمده	مؤلفه
۱	خواستگاری و اولویت دیگری دارم	غلبه انگیزه سیاحت، عدم اولویت تخصیص بودجه
۲	چیز جداگانه یا جدیدی نیست	اکتفا به زیارت حضرت رضا، یکسان‌نگاری زیارت از راه دور و نزدیک
۳	شوقی ندارم	نداشتن شوق زیارت امام حسین

نداشتن شوق: برخی شوق کافی برای اقدام به سفر زیارتی به عراق ندارند. اینان احساس می‌کنند برای زیارت کربلا و نجف باید به اشتیاق زیادی برسند تا از همه کارها دست بکشند و عزم چنین سفری کنند و در عین حال که چنین اشتیاقی را آرزومندند، چون معتقدند بدون شوق کافی اگر هم زیارتی صورت گیرد بی‌معنا خواهد بود و به نتیجه ارزشمندی نخواهند رسید، لذا ابراز می‌دارند که حداقل فعلاً نباید به چنین سفری بیندیشند و تا فراهم آمدن شرایط روحی ذکرشده آن را به تعویق می‌اندازند.

متفاوت نبودن: برخی افراد به دلیل وجود حرم حضرت رضا(ع) در مشهد خود را بی‌نیاز از زیارت عتبات عالیات می‌دانند و معتقدند آنچه نیاز است و در کربلا و نجف به دست می‌آید، در مشهد مقدس هم به دست آمدنی است و بنابراین نیاز به زحمت فراوان برای انجام چنین سفری نیست و زیارت کربلا و نجف امر جداگانه‌ای نیست. یا معتقدند که با توجه به حضور گسترده ائمه اطهار در تمام مکان‌ها و زمان‌ها، هیچ تفاوتی میان حضور امام حسین(ع) در کربلا و مشهد نیست و در نتیجه زیارت آن حضرت از دور و نزدیک یکسان است و از همین جا هم می‌توان ارتباط برقرار کرد و شفاعت طلبید و حاجت خواست. لذا باعث می‌شود تا انگیزه طی مسافت طولانی مشهد به عراق را نداشته باشند و زیارت این امامان را از شهر خودشان و حتی در خانه خودشان کافی بدانند و به عبارت دیگر زیارت امام حسین در کربلا از دید ایشان تجربه جدیدی نیست.

اولویت داشتن خواسته‌های دیگر: برخی در عین حال که شوق چنین سفری دارند و به زیارت ائمه از نزدیک نیز علاقه‌مندند، شوق دیگری نیز دارند که بر شوق زیارت آن‌ها غلبه دارد و آن اشتیاق به سیاحت است و از سویی چون احترام ائمه اطهار را بیش از آن می‌دانند که در

محضر آن‌ها فرصت‌هایشان را به چنین اموری اختصاص دهند و البته هنوز هم آن‌قدر شوق سیاحتشان ارضا نشده است که بتوانند با حضور در کربلا و نجف این شهرها را از این حیث نادیده بگیرند، لذا ترجیح می‌دهند تا ارضای کامل این نیازشان برای زیارت اقدام نکنند و در واقع خواسته دیگری دارند. دیگر اینکه برخی معتقدند مهم‌تر از سفر به کربلا و مکه برای آنان، کمک به ازدواج فرزندان‌شان است و بنابراین اگر هم پولی دارند که آن را می‌توان به هزینه‌های مربوط به سفر کربلا و مکه اختصاص داد، آن را به هزینه‌های مربوط به ازدواج فرزندان‌شان تخصیص می‌دهند که آن را اولی و اهم می‌انگارند و به عبارت دیگر اولویت دیگری دارند.

مفهوم مرکزی سفر نکردن: در مرحله کدگذاری گزینشی، هدف اصلی یافتن «مفهوم مرکزی» است. پس از آن ایجاد شبکه‌ای از مقولات عمده است که نظم نظری قابل قبولی بر آن حاکم باشد. در بحث «موانع احساس شده»، مفهومی که به نظر می‌رسد نیل به چنین هدفی را برای ما ممکن می‌کند، مفهوم «ناداری و بی‌تحملی» است. نداشتن زمان و پول و همسفر - همدل و بی‌تحمل بودن در برابر راه دور سفر، فشردگی برنامه‌ها و فعالیت‌ها، تمیز نبودن اماکن اقامتی و تغذیه‌ای و نگرانی و هراس از انفجارها موانع سفر به عتبات عالیات در عراق است که همگی در مفهوم مرکزی «ناداری و بی‌تحملی» متجلی است.

در مرحله کدگذاری گزینشی در بحث فقدان انگیزه برای سفر زیارتی به عراق نیز هدف یافتن مفهوم مرکزی و پس از آن ایجاد شبکه‌ای از مقولات عمده است که نظم نظری قابل قبولی بر آن حاکم باشد. در بحث «فقدان انگیزه برای سفر زیارتی به عراق»، مفهومی که به نظر می‌رسد نیل به چنین هدفی را برای ما ممکن می‌کند مفهوم «دل‌مشغولی‌های دیگر و بی‌اشتیاقی» است. غلبه انگیزه سیاحت، عدم اولویت تخصیص بودجه، اکتفا به زیارت حضرت رضا، یکسان‌نگاری زیارت از راه دور و نزدیک و نداشتن شوق زیارت امام حسین (ع) دلایل فقدان انگیزه برای سفر زیارتی به عراق بوده است که همگی در مفهوم مرکزی «دل‌مشغولی‌های دیگر و بی‌اشتیاقی» متجلی است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش از این گفته شد، اغلب تحقیقات در زمینه گردشگری مذهبی درباره اقدام به سفر زیارتی است، اما این نوشتار با الهام از این ایده جامعه‌شناسانه ماکس وبر: «اقدام کردن و خودداری کردن هردو "کنش" است»، به بررسی چرایی «ترفتن به سفر زیارتی» پرداخته است. با این سؤال محوری که: چرا عده‌ای از مردم مشهد برای زیارت به عراق سفر نمی‌کنند؟ آنچه -

حاصل شد این بود که آنان که به سفر زیارتی به عراق اقدام نمی‌کنند، یا با موانع سفر مواجهند یا اصلاً انگیزه‌ای برای چنین سفری ندارند. موانع در یک مقوله مرکزی «**ناداری و بی‌تحملی**» خلاصه می‌شوند. آن دسته از موانعی که زیر عنوان «**ناداری**» جای می‌گیرند، نداشتن زمان، پول و همسفر همدل است. عده‌ای آن چنان مشغله کاری دارند که تصور اینکه یک هفته تمام کار و زندگی را رها کرده و اقدام به سفر نمایند برایشان تقریباً غیرممکن است. برعکس این مطلب در مقاله امین‌ناصری و بهنام (۱۳۹۱) به این صورت آمده است که در مقاطعی از زمان که مردم فرصت می‌یابند، مانند تعطیلات سه یا چهار روزه متوالی ادارات و تعطیلات مدارس، میزان سفر از تهران به مشهد افزایش می‌یابد. این امر در آمار تقاضا برای بلیت قطار و نیز آمار مسافران جابه‌جاشده توسط راه‌آهن ظاهر شده است (امین‌ناصری و بهنام، ۱۳۹۱). عده‌ای نیز معتقدند که درآمدشان کفاف هزینه‌های چنین سفری را نمی‌دهد و لذا به‌ناچار و از این جهت - که استطاعت مالی برای چنین سفری را ندارند اقدام به آن نمی‌نمایند و برخی دیگر هم که چنین سفرهایی را با همراهی همسفری همدل می‌پسندند و حداقل فعلاً چنین کسی را نیافته‌اند، حاضر به اقدام به چنین سفری نیستند. اما آن موانعی که زیر عنوان «**بی‌تحملی**» جای می‌گیرند، راه دور سفر، فشردگی برنامه و فعالیت‌ها، تمیز نبودن اماکن اقامتی و تغذیه‌ای و نگرانی و هراس از انفجارها است که برخی افراد تاب کنار آمدن با آن‌ها را ندارند و لذا از اقدام به چنین سفری سر باز می‌زنند.

فقدان انگیزه نیز در مقوله مرکزی «**دل‌مشغولی‌های دیگر و بی‌اشتیاقی**» خلاصه می‌شود که مقوله‌های عمده زیرمجموعه آن غلبه انگیزه سیاحت، عدم اولویت تخصیص بودجه، اکتفا به زیارت حضرت رضا، یکسان‌انگاری زیارت از راه دور و نزدیک و نداشتن شوق زیارت امام حسین (ع) است. برخی از این افراد یا اصلاً زیارت کربلا و نجف را چیز جداگانه و جدیدی نمی‌دانند و دارای دو گونه باور هستند: بعضی بر این باورند که زیارت حضرت رضا (ع) کافی است و از این حیث کربلا و نجف با مشهد فرقی نمی‌کند و برخی دیگر معتقدند زیارت امام حسین (ع) دور و نزدیک ندارد و از هر جایی ممکن است که صورت پذیرد یا اینکه اصلاً خواسته و اولویت دیگری دارند و به دو دسته تقسیم می‌شوند. برخی معتقدند کربلا و مکه آن‌ها داخل خانه خود آن‌هاست و ازدواج فرزندان‌شان را در اولویت می‌دانند، لذا اگر هم پولی داشته باشند ترجیح می‌دهند آن را به امر ازدواج فرزندان‌شان تخصیص دهند تا سفر زیارتی به کربلا و نجف و گروه دیگری که اولویت مهم‌تری دارند کسانی‌اند که آن قدر سیاحت برایشان مهم است که اگر به سفر کربلا و نجف بروند از بعد سیاحتی به این شهرها خواهند پرداخت، و این امر را نوعی بی-

احترامی به امامانی که مزارشان در آن شهرهاست می‌پندارند و بنابراین می‌گویند تا از بعد سیاحتی سیر نشویم اقدام به چنین سفری نخواهیم کرد. بالاخره افراد دیگری نیز هستند که آنان نیز از سر فقدان انگیزه چنین سفری را ترجیح نمی‌دهند. کسانی هستند که ادعا می‌کنند شوقی به این سفر ندارند و البته دوست دارند که این شوق در آن‌ها ایجاد شود و می‌گویند اگر روزی چنین شوقی ایجاد شود به این سفر خواهند پرداخت.

این‌ها تقریباً خلاصهٔ اکتشافاتی است که این نوشتار به آن رسیده است و پیشنهاد می‌شود پژوهشگران مستقر در سایر مناطق جامعهٔ ایران این موضوع و نیز موضوع چرایی «سفر نکردن به مشهد» به‌وسیلهٔ ساکنان آن منطقه را مورد کاوش قرار دهند تا همهٔ ابعاد گردشگری مذهبی در ایران مورد شناسایی عمیق قرار گیرد و بعدی از دین‌داری و انواع موجود در این بعد بهتر شناسایی شود و از نگاهی دیگر در برنامه‌ریزی‌های زیارت مفید واقع گردد.

منابع

- قرآن کریم
نهج‌البلاغه (۱۳۸۶) نهج‌البلاغه، ترجمهٔ علی دشتی، تهران: غرّه الاسلام.
آبرکرامی، نیکلاس؛ استفان هیل و برایان اس. ترنر (۱۳۶۷) فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمهٔ حسن پویان، تهران: چاپخش.
اتکینسون، ریچارد. اس؛ ری‌تا ال. اتکینسون و ارنست هیلگارد (۱۳۶۷). زمینه روانشناسی (جلد ۱)، تدوین و ترجمه، محمدتقی براهنی، مهدی محی‌الدین و بهروز بیرشک، تهران: انتشارات رشد.
اکبری، ملیحه. (۱۳۸۹) سنجش نیازهای زائران و گردشگران در کمپ‌های مشهد در نوروز ۸۹، مشهد، معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد.
امیراحمدی، ر. (۱۳۸۹) نظرسنجی از زائرین هیئت‌های مذهبی در ایام شهادت امام رضا (ع)، مشهد، شهرداری ثامن- سازمان مجری طرح نوسازی و بهسازی حرم مطهر رضوی.
امین‌ناصری، محمدرضا و فرنام بهنام (۱۳۹۱) «پیش‌بینی تقاضای سفر ربلی در مسیر تهران- مشهد»، پژوهشنامهٔ حمل و نقل، شماره ۱: ۱۵-۲۸.
بودون، ریمون (۱۳۷۰) منطق اجتماعی، ترجمهٔ عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: جاویدان.
بیرو، آلن (۱۳۸۰) فرهنگ علوم اجتماعی: انگلیسی - فرانسه - فارسی، ترجمهٔ باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۳) فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی، تهران: فرهنگ معاصر.
حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۶) انگیزش و هیجان، تهران: ارسباران.
رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۰) جامعه روستایی و نیازهای آن، تهران: شرکت سهامی انتشار.

رفیعی، هادی (۱۳۸۸) بررسی وضعیت اقتصادی زائرین و عوامل مؤثر بر ماندگاری آن‌ها، مشهد: جهاد دانشگاهی.

ریتزر، جورج (۱۳۷۷) *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، تهران: علمی.

سلطانی، س (۱۳۸۹) شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین کارکردهای گردشگری شهر مشهد از دید گردشگران، مشهد: جهاد دانشگاهی.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵) *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران: امیرکبیر.

شهرداری مشهد (۱۳۸۹) گزارش نظرسنجی از زائران درباره برنامه‌های ستاد استقبال از بهار ۱۳۸۹، مدیریت روابط عمومی و بین‌الملل.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹) *اصول فلسفه رئالیسم*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۳) نحوه حضور کودکان در حرم مطهر و راهبردهای عملی بر بهینه‌سازی آن، مشهد: مؤسسه خدمات مشاوره جوانان و پژوهش‌های اجتماعی آستان قدس.

علی‌احمدی، علی‌رضا و وحید نهایی (۱۳۸۷) *منتخبی از کتاب توصیفی جامع از روش‌های تحقیق*، تهران: تولید دانش.

عمید، حسن (۱۳۸۵) *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.

فراهانی، حجت‌الله و حمیدرضا عریضی (۱۳۸۴) *روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی (رویکردی کاربردی)*، اصفهان: جهاد دانشگاهی.

فروغ‌زاده، سیمین (۱۳۸۹) بررسی کیفیت اقامت و ترجیحات زائران ایرانی در مدت حضور در شهر مشهد (در فصل تابستان). مشهد: جهاد دانشگاهی.

فکوری حاجی‌یار، ح. (۱۳۸۹) گزارش نظرسنجی از زائرین امام رضا (ع) در ایام نوروز ۱۳۸۹، مشهد: شهرداری ثامن - سازمان مجری طرح نوسازی و بهسازی حرم مطهر رضوی.

گولد، جولیوس و ویلیام ال. کولب (۱۳۷۶) *فرهنگ علوم اجتماعی*، مدون محمدجواد زاهدی، تهران: مازیار.

لینل، دانیل (۱۳۷۳) *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.

مازلو، آبراهام اچ. (۱۳۶۷) *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

محمدپور، احمد و مهدی رضایی (۱۳۸۷) «درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱-۲ (پیاپی ۲۲): ۳-۳۳.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (جهاد دانشگاهی) (۱۳۸۸) نظرسنجی از شهروندان و زائران در خصوص طرح محدودیت تردد در هسته مرکزی مشهد ایام نوروز ۱۳۸۸، مشهد: کتابخانه شهرداری.

- مظهری، محمد. (۱۳۹۰) بررسی تحقیقات موجود در رابطه با زائر و زیارت و فراتحلیل آن‌ها، مشهد: پژوهشکده گردشگری جهاددانشگاهی مشهد.
- مکری‌زاده، فهیمه (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی پدیداری زیارت؛ پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (ع). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۵) گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟ همایش چالش‌های علم اطلاعات. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۹ خرداد ۱۳۸۵.
- نائلی، محمدعلی (۱۳۷۳)/نگیزش در سازمان‌ها، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- نامی، علی‌اصغر (۱۳۸۴) بررسی نیازهای تبلیغاتی و رفاهی زائران عراقی، مشهد: مؤسسه خدمات مشاوره جوانان و پژوهش‌های اجتماعی آستان قدس.
- مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری و مرکز پژوهش‌های آماری دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۹) شناسایی گونه‌های مختلف مسافر در پایانه مسافربری امام رضا(ع)، مشهد.
- ویر، ماکس (۱۳۷۴) *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: مولی.
- ویر، ماکس (۱۳۷۸ الف) کنش اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی، لوئیس آ. کوزر و برنارد روزنبرگ (ویراستار) در: *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی: ۸۰-۸۴.
- ویر، ماکس (۱۳۷۸ ب) معنای ذهنی در وضعیت اجتماعی. لوئیس آ. کوزر و برنارد روزنبرگ در: *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی: ۲۲۱-۲۳۲.
- Bagias, C. (2009) *What Do African American Families Need to Know in Order to Make Informed Treatment Decisions about a Family Member With Schizophrenia: A Grounded Theory*, California School of Professional Psychology, Alliant International University.
- Barbour, R. (2001) "Checklists for Improving Rigour in Qualitative Research. In A Case of the Tail Wagging the Dog?" *BMJ*, 322: 1115-1117.
- Charmaz, K. (2006) *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide Through Qualitative Research Analysis*, London: Sage.
- Charmaz, K. & K. Henwood (2007) *Grounded Theory in Psychology. In Handbook of Qualitative Research in Psychology*, London: Sage.
- Creswell, J. W. (2003) *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Beverly Hills: Sage.
- Ehrlich, E. (2005) *Collins Gem Webster's Dictionary*, New York: Harper Collins Publishers.
- Franklin, T. J. (2010) *A Qualitative Study of Black Gospel Music and Spirituality in Relapse Prevention of Cocaine Dependence in Urban African American Women*, College of Social and Behavioral Sciences, Walden University.

- GIBSON, B. (2003) "Grounded Theory", In R. L. Miller & J. D. Brewer, *The A-Z of Social Research: A Dictionary of Key Social Science Research Concepts*, London: Sage: 132-134.
- Goulding, C. (1999) *Grounded Theory: Some Reflections on Paradigm, Procedures and Misconceptions*, Wolverhampton Business School, Management Research Centre, University of Wolverhampton.
- Henn, R. D. (2009) *A Community Perspective: Conflicting Environmental Interests and Barriers to Effective Collaborative Management in Clayoquot Sound*, Royal Roads University.
- Kalberg, S. (1980) "Max Weber's Types of Rationality: Cornerstones for the Analysis of Rationalization Processes in History", *The American Journal of Sociology*, 58 (5): 1145-1179.
- Kaveh, P. (2010) *A Framework of the Use of Information in Software Testing. The School of Engineering and Applied Science*, The George Washington University.
- Knight, S., K. Nunkoosing, A. Vrij & J. Cherryman (2003) "Using Grounded Theory to Examine People's Attitudes toward How Animals are Used", *Society & Animals*, 11 (4): 307-327.
- Libert, R. A. (2010) *Breaking Out Of The Box: A Grounded Theory Study Of Urban High School Students*, Fielding Graduate University.
- Marshall, G. (1998) *A Dictionary of Sociology*, London: Oxford University Press .
- ONS. (2007) *What is Qualitative Research?* <http://www.ons.gov.uk>: Office for National Statistics.
- Pidgeon, N., & Henwood, K. (2004) "Grounded Theory", in M. A. Hardy & A. Bryman, *Handbook of Data Analysis*, Beverly Hills: Sage.
- Strauss, A. & J. Corbin (1998) *Basics of Qualitative Research - Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks: Sage.